

مألوف می‌تواند جنبه عملی بخود بگیرد اگر نحوه اندیشه تغییر کند و فرم آن با حقایق علمی روزمطابقت کند قبول خواهیم کرد که موجودات با هوش در سایر کرات بعنوان يك اصل قطعی باید وجود داشته باشند. اگر موجوداتی فعلاً در سایر کرات در ۱۵۰ - ۲۰۰ درجه زیر صفر زندگی میکنند، برای آنان تصور میشود که این درجه حرارت برای زندگی موجودات دیگر در سایر کرات نیز لازم و ضروری است و این موضوع کاملاً منطقی است و ما با استفاده از این منطق در روشن کردن گذشته خود خواهیم کوشید. و در این مورد مدیران شرافت ذاتی خود هستیم که می‌خواهیم منطبق و عینی باشیم.

در طول تاریخ تئوریهای جسورانه‌ای که صورت تصورات خیالی (Utopia) تلقی شده کم نیست، ولی همین مسائل پس از گذشت زمان بصورت حقایق ثابت روز درآمده است (نظر مؤلف تصورات انتزاعی در رشته‌های علمی است که در موارد زیادی پیش‌گام کشفیات علمی بوده است (مترجم)

چه بسا مسائل غیرممکنی در گذشته امروز بصورت حقایق مسلم درآمده، باز پس از زمان معینی بصورت موانعی درآید تا غیرممکن‌های کیهانی را که هنوز بصورت گره‌های بسته است باز کند. نسلهای آینده انواع حیات را که امروز ما حتی خواب آنرا هم روی زمین نمی‌توانیم ببینیم در کیهان خواهند دید. اگر با امروز این نوع حیات‌ها را نمی‌توانیم ببینیم باید قبول کنیم که حیات روی زمین از قدیمی‌ترین نوع آنست

عمر جهان هستی در حدود ۸ - ۱۲ میلیارد سال تخمین زده میشود.

در سنگهای آسمانی و در زیر میکروسکپ ذرات مواد آرگانیک و مواد پروتئین دیده شده ۱۱ باکتریهای مربوط به میلیونها سال پیش دوباره زنده میشوند.

اسپوره‌های شناور که با اشعه يك خورشید به فضا رانده شده توسط سیاره‌ای گاه بگاه جذب میگردد.

حیاتهای جدید از میلیونها سال در دست تکامل بوده و سیکل دائمی آفرینش سازندگی و تحول جاودانی خود را ادامه میدهد، آزمایشهای بی‌شمار در نقاط گوناگون کره زمین نشان میدهد که قشر زمین در حدود ۲۰۰۰ میلیون

سال پیش بوجود آمده، همانطور که انسان يك ميليون سال پیش وجود داشته است. از این جریان عظیم زمان، تنها تاریخ ۲۰۰۰ سال آن برای ما مشخص شده که تازه این حداقل، با سرف سالها وقت و انرژیهای فراوان و جسارتها و شجاعتهای بی نظیر بدست آمده است. این مدت زمان کوتاه در مقیاس مقایسه با میلیونها سال تاریخ کیوان و جهان هستی چقدر ناچیز می نماید.

ما که نمونه خلقت و آفرینش هستیم ۴۰۰۰ / ۲۰۰۰ سال طول کشیده تا به قدم قامت امروزی خود رسیده ایم. چه کسی میتواند دلائل ارزنده و محکمی برای اینکه در سایر سیارات شرایط مناسب برای پیدایش وجودات هوشمند دیگر و همسایه ما نمیتواند وجود داشته باشد ارائه دهد؟

آیا دلیلی وجود دارد که حریفان هم‌عنان یا بالاتر از خود را در سایر کرات نداشته باشیم؟ آیا ما حق باطل ساختن این احتمال را داریم؟

تاکنون چه سنو‌هایی بعنوان حکمت ازای و تصورات رایج فرو ریخته است؟ صدها و صدها نسل تضرع میکردند که زمین مسطح است، قانون اولی که آفتاب دور زمین می‌گردد هزاران سال به ارزش خود پا برجا بود و ما هنوز فکرمی کنیم که سیاره ما مرکز همه جهان هستی است، با آنکه بخوبی میدانیم زمین سیاره‌ای کوچک بیش نیست و از مرکز کهکشان (راه شیری) ۴۰۰۰ / ۲۰۰۰ سال نوری فاصله دارد.

امروز زمانی فرارسیده که ما بکوچکی خود پی ببریم و اکتشافاتی از جهان بیگانه مجهول به‌عمل آوریم. در آن هنگام پی خواهیم برد که ماجزیه‌های خنبر در این جهان هستی محسوب نمی‌شوند.

بنابراین آینده کارهای ما جلوانگاه وسیع کیهان است که خدای بزرگ گفته است بساید باشد. و تا ما نتوانیم آینده را خوب و ادرسی کنیم نخواهیم توانست گذشته‌مان را با شهامت و شجاعت کافی مورد بررسی قرار دهیم.

بخوبی میشود قطعات يك سفینه فضائی را در حالیكه در مدار يك سیاره قرار دارد مونتاز کنیم و شاید تا ۲۰ سال دیگر این مونتاز کردن در مدار لزومی نداشته باشد زیرا تا آنوقت ما خواهیم توانست سفینه‌های عظیمی را در روی کره ماه فرود آوریم. بررسی‌های اساسی برای تهیه موتورهای راکتهای آینده با سوخت اتمی و سرعتی در حدود نزدیک سرعت نور بخوبی پیشرفت میکنند.

طرح موشکهای مبتنی بر استفاده از سوخت ذره‌ای که مدلهای آن‌ها اکنون نیز ارائه شده، در آینده موشکهای فوتونی را بوجود خواهد آورد. اندیشه‌ی باین ایده واقماً انسان را مات و مبهوت میکند ولی ما میدانیم که اکنون در آستانه يك تحول و دورانی جدید قرار گرفته‌ایم. باید بیاد داشته باشیم که گامهای عظیم اولیه که توسط نیاکان ما برداشته‌شد در آن روزها با تردید و عدم اطمینان کامل انجام میگردد. آنان راه آهن - برق - تلگراف و اولین ماشین و هواپیما را ساختند و ما خودمان برای اولین بار وسیقی را در فضا شنیدیم و نخستین تلویزیون رنگی را مشاهده کردیم همچنین اولین پرواز سفینه‌های فضائی در عصر ما انجام شد و عکس و اخبار جهان؛ را قمر مصنوعی که دور زمین میگردد به ما نشان میدهد.

نومهای ما مسلماً در دانشکده‌های تکنولوژی و لابراتوارهای فضائی آن به بررسی علوم فضائی و تکنولوژی خواهند پرداخت. اجازه میخواهم این سیاحت را با سفینه فوتونی خود (که امروز جنبه عملی پیدا نکرده) در مسافرت به سیاره‌ای دین دنبال کنم.

نخست در این مسافرت طولانی باید ببینیم که خلبانان این سفینه به چه کیفیت و با چه سرگرمی وقت خود را باید بگذرانند، زیرا با توجه به طول مسافرت که خواهند پیمود و چگونگی گذشت زمان که حالت خزیدن را دارد برای کسانی که روی زمین ناظر می‌باشند باید به نظریه نسبیت ائینشتین که در اینجا کاملاً صدق پیدا میکند و زمان برای سر نشینان سفینه که با سرعت نزدیک سرعت نور حرکت میکنند، کند تر از گذشت زمان در روی زمین خواهد بود توجه کنیم اگر سفینه فضائی با سرعت ۰/۹۹ سرعت نور حرکت کند پس از گذشت ۱۴/۱ سال بر خلبانان سفینه در همین مدت؛ زمین برای ساکنان زمین ۱۰۰ سال گذشته است. تفاوت زمانی برای سر نشین سفینه متحرک با سرعت

نوروساکنان زمین از فرمول Lorentz بدست میآید:

$$\frac{t}{T} = \sqrt{1 - (v/c)^2}$$

t = زمان برای سر نشین سفینه فضائی

T = زمان روی زمین

v = سرعت پرواز سفینه

c = سرعت نور

سرعت پرواز سفینه فضائی را میتوان با معادله کار، راکت که توسط پروفسور Askere ارائه شده تعیین کرد.

$$V/W = \frac{1 - (1-t)^2 W/c}{v/c [1 - (1-t)^2 W/c]}$$

V = سرعت سفینه

W = سرعت جت (موتور)

C = سرعت نور

t = مقدار سوخت حمل شده در سفینه

هنگامیکه سفینه به سیاره مورد نظر میرسد بلافاصله خلبان موشک، سیاره را مورد آزمایش قرار میدهد.

تجزیه طیفی، سنجش نیروی جاذبه، و محاسبه مدار، و اخیراً انتخاب جا برای فرود آمدن در سیاره که تا حدودی مشابه زمین باشد، انجام میدهد. اگر فضا نورد ما سوخت خود را در خلال این مسافت (مثلاً ۸۰ سال نوری) تمام کرده باشد؛ باید سوخت مجدد در آن سیاره بگیرد.

فرض کنیم؛ اگر محل فرود سفینه جاتی مشابه زمین باشد که من آنرا بهیچ وجه غیر ممکن نمی دانم، اگر فرض شود که تمدن در سطح این کره مشابه تمدنی که در حدود ۸۰۰۰ سال پیش روی کره زمین بوده باشد که این موضوع پیش از فرود آمدن با دستگاههای سنجش سفینه تعیین شده است معمولاً مسافران سفینه سعی دارند که در محلی نزدیک به جایی که بتوانند از آن سوخت اتمی تهیه کنند فرود خواهند آمد. دستگاههای آنان به آسانی نشان خواهد داد که اورانیوم در کدام سلسله و در کجای این سلسله کوهها وجود دارد.

فرود آمدن طبق نقشه قبلی انجام خواهد شد. فضانوردان موجوداتی را که ابزار رنگی ساخته‌اند و با آن بشکار می‌روند و با پارتاب نیزه شکار می‌کنند همچنین گنجه‌های بره و بز را که در مرتع‌ها به چرا مشغولند و کوزه‌های قدیمی و ابزارهای ساده را خواهند دید. این مردمان بانگ‌های تعجب آور به فضانوردان می‌نگرند. حالا باید بدانید که عکس‌العمل آمده‌های روی زمین در لحظه فرود آمدن بسیار وظهور این معما برای آنان توجه کرد. آنان چه خواهند کرد، فراموش نکنیم که ما هم اکنون در ۸۰۰۰ سال پیش می‌باشیم. تعجب آور نخواهد بود که آن آدمها فوراً سر بخاک فرود آورده و جرات باز کردن چشم خود را نداشته باشند. این تاکنون آفتاب و خورشید را می‌پرستیدند. حالا يك حادثه تکان دهنده در روی زمین بوجود پیوسته است. خدایان از آسمان به زمین فرود آمده‌اند! (ریشه عروج) آدمیان زمین از نگاه‌های خود به مراقبت سر نشینان سفینه که بر کلاه‌های عجیب با شاخک‌هایی روی آنها دارند (کلاه آنتن‌دار) می‌پردازند. آنان به حیرت فرورفته‌اند. هنگامیکه شب مانند روز روشن می‌شود و فضانوردان را در هوا در حال حرکت می‌بینند (استفاده از کمربندهای پراکتی) از ترس و تعجب پارتاب بگریه می‌روند.

از دیدن حیوانات ناشناس که در هوا غرش کرده، پرواز می‌کنند و در زمین می‌پند و خرناسه می‌کشند (هایکو پترهای آل پر پوزومی کل) **All Purpos Vehicle** به مخفی گاه‌های خود می‌روند و ناگهان صدای انفجار از کوه بلند می‌شود (انفجار آزمایشی). بدون شك فضانوردان باید بسورت خدایان توانا و قادر برای انسانهای پیشین جلوه گر شده باشند.

هر روز فضانوردان کارهای تحقیقاتی خود را انجام می‌دهند و سپس بعد از مدتی هیئت از مردان مذهبی و یا حکما و یا با هوشتترین آن آمده‌یان احتمالاً به فضانوردان نزدیک شده و رئیس هیئت با آنها خواهد گفت که آمده است با خدایان تماس بگیرد. آنان حامل هدایایی هستند برای خدا و بان. مسلم است که فضانوردان با کمک ماشین‌های الکترونیکی بزودی زبان بومیان را درک کرده و از آنان جهت این محبت و احترام تشکر خواهند کرد و با آنکه این مهمانان به آنان با زبان خودشان خواهند گفت که خدایان نزول نکرده و

موجودات عالی‌تری مستحق پرستش و عشق؛ برای دیدار نیامده‌اند سودی نمی‌بخشد. اسلاف ما از سادگی، این حرف را نمی‌پذیرند. فضاوردان از سهارمهای دیگر آمده‌اند بنابراین نیروی خارق‌العاده داشته و آنان قدرت اظهار معجزه دارند!!

آنان می‌بایست خدایان باشند. با اینکه تصور آنچه در روز فرود آمدن سفینه رخ خواهد داد مشکل است. معذک نکات زیر را کاملاً میتوان پیش‌بینی کرد:

عده‌ای از مردم را وادار به کمک‌های لازم برای تهیه و ذخیره سوخت‌اتمی جهت برگشت به زمین خودشان خواهند کرد.

باهوش‌ترین بومیان را بمنوان کاهن انتخاب می‌کنند و بمنوان قدرت‌انمائی يك دستگاہ فرستنده باو می‌دهند که با آن با خدایان هر وقت که بخواهد تماس بگیرد.

فضانوردان سعی می‌کنند که به بومیان مسائل اولیه تمدن را یاد داده و تصورات عقلانی را به آنان تعلیم دهند. کمک به پیدایش يك نظم اولیه اجتماعی بکنند. عده‌ای بمنوان زنهای انتخابی توسط فضاوردان بارور میشوند و بدین ترتیب يك نسل جدید پیدا شده که جهشی در تکامل طبیعی محسوب خواهد شد.

ما بخوبی از جریان تکامل این نسل واقفیم که چه فاصله طولانی گذشت تا این نسل توانست در کار فضاوردی متخصص شده و به پرواز دست بزند و پیش از آنکه فضاوردان عزم برگشت به زمین خودشان را بکنند باید پشت سر خود آثاری بگذارند که بعدها توسط بررسی‌های ریاضی و تکنیکهای برتر درازمنه خیلی بعدتر قابل تشخیص و شناخته شدن باشد:

توجه دادن به این تحت‌الحمایه‌ها برای بر حذر ساختن آنان از دست زدن به انبار سوخت اتمی مؤثر نخواهد بود حتی اگر ما به آنان وحشتناکترین فیلمها را از جنگ یا انفجار اتمی نشان دهیم باز اثری در اینک اینان باهم گرد نیابند و تدارک حماقتی را نبینند حداقل بیشتر از آنچه در وقت حاضر نتیجه بخش است نخواهد بود! نظرم هشدار و ممانعت از خطرات ناشی از جنگهای امروزی است.

و هنگامیکه فضاوردان در شکم آسمان ناپدید میشوند، بومیان در باره معجزه خدایان، تعلیمات فضاوردان و آنچه را که دیده‌اند به زبان ساده‌ای بیان خواهند کرد و آنرا بصورت دعا در آورده در گردن پسران و دختران خود آویزان خواهند کرد تا بتوانند آنرا به فرزندان و دخترانشان بدهند و کلیه ابزار آلات باقیمانده از فضاوردان و ساختمانها و هر چه که فضاوردان بجا گذاشته‌اند بصورت اشیاء قابل تقدیس مورد پرستش قرار خواهند داد.

اگر بومیان دبیری یا نویسنده‌ای داشته باشند ما وقع غیر طبیعی، خارق‌العاده و معجزه مانند خواهند نوشت و توصیف خواهند داشت که خداوندان در لباسهای طلائی اینجا : دند در قفس‌های پرنده که با صدای مهیبی در اینجا فرود آمدند و در باره اربابانی که خدایان آنرا بر روی خشکی و آب بکشد میبردند، همچنان در باره : دلهای مخوفی که نخست روشنایی میداد و سپس اینکه خدایان وعده برگشت داده‌اند (ریشه ناجی موعود در تمام مذاهب) توضیح خواهند داد و سپس آنان روی سنگها از آنچه دیده‌اند نقاشیهای بصورت آدمهای غول پیکر نامشخص با کلاه شاخک‌دار که صندوقچه‌هایی را روی سینه خود حمل کرده‌اند ترسیم خواهند کرد. کردهایی که آنان قادر به تعریف آن نبوده‌اند و این موجودات ناشناخته روی آنها سوار شده و به آسمان پرواز کرده‌اند.

اجسامی که از آن اشعه‌هایی مانند اشعه خورشید ساطع میشود، اجسامی مانند حشره‌های نخلیم غول‌پیکر (حشرات غول پیکری که نوعی ارباب به مخصوص بشمار می‌آیند) مردمان ابتدائی ورود خارق‌العاده فضاوردان را با انواع مختلف توصیف میکنند. در فصلهای بعدی به بررسی موضوعهایی خواهیم پرداخت که ورود این فضاوردان بزمین در آن محسوس است آثار بعدی این مسافرت را روی زمین بخوبی میتوان پیش‌بینی کرد و در نظر آورد مثلاً سکنه خیلی چیزها را بطور مخفیانه از آنان قرا گرفتند.

محل فرود سفینه را جایگاه مقدس و جایگاه زیارت مردم قرار دادماند.

در اینجا باید کارهای قهرمانانه خدایان بصورت سرودهایی مورد ستایش قرار گیرد گنبد و بارگاه و معابد را طبق قواعد و قوانین آسمانی

(استرونومیک) بسازند .

مردم زیاد میشوند و جنگ‌ها جای مقدس خدایان را ویران ساخته و سپس نسل‌هایی می‌آیند که با کشف و بررسی، مجدداً جاهای مقدس را پیدا کرده و سعی می‌کنند که تفسیری از نشانه‌ها و علائم بدست دهند.

و این مرحله است که ما اکنون بان رسیده‌ایم. اکنون ما به‌ماه رفتیم و میتوانیم عقل و اندیشه خود را جهت مسافرت فضائی آماده سازیم. ما آثار ظهور ناگهانی بک کشتی اقیانوس پیما، نسبت به بومیان مثلاً جزایر اقیانوس جنوب را میتوانیم بخوبی حدس بزنیم.

ما اثر ویران‌کنندهٔ مرد غارتگری مانند هر نان‌کرتسه^۱ را بر تمدن مردم آمریکای جنوبی میبینیم و بدین ترتیب میتوانیم تا حدودی و بطور مبهم به آثار حیرت‌آور مسافرت موجودات فضا نورد در دوران بس دور و ماقبل تاریخ پی برده ، حدس بزنیم ، ما باید اکنون به سیل پرسش‌ها و همچنین صدها مسائل پیچیده‌ای که در برابر ما صف‌آرایی کرده‌اند نظر بیفکنیم .

آیا میتوان اینها را آثار و بقایائی از سفر موجودات آسمانی در دوران ماقبل تاریخ دانست ؟ و آیا اینها ما را به گذشته بس دور ارتباط میدهد و آشنا میکند؟ آیا به برنامه‌های آینده؛ ما را راهنمون میشود؟

www.golshan.com

و تصورات گذشته را جزم فرض کردن
دیگر جنبه ابتدال پیدا کرده و دقیقاً
نوعی از حماقت است.

فصل سوم

معماهای توجیه ناپذیر جهان

علم باستان‌شناسی از سرهم کردن مجموعه اطلاعاتی که توسط باستان
شناسان بطور غیرمنتهی استنباط شده بوجود آمده است. حقایقها -
متن‌های قدیم - کاشوف درغارها - افسانه‌ها و حماسه‌ها تاروپود این
ارزیه‌ها را بوجود آورده‌اند. کلیه این بررسی‌ها ساختمان جالب يك زمينه
کلی را بدست میدهد که باید اجزاء این طرح با هم متناسب باشد گرچه جعل
وسرهم کردن اجزاء آن در مواردی کاملاً محسوس و قابل تشخیص است.
يك موضوع یا حادثه‌ای باید از این راه اتفاق بیفتد نه از راه دیگر.
و خوب توجه کنیم که اگر خود محققان بخواهند که این واقعه، با چنین وضعی
پیش آمده باشد!

ما حق داریم کلیه طرحها و افکار و ایده‌هایی که مورد قبول قرار گرفته
مورد شك و تردید قرار دهیم. و اگر این مسائل مورد سؤال قرار نگیرد بررسی
و تحقیق دیگر پایان یافته خواهد بود و بدین ترتیب باید گفت تاریخ گذشته ما

تاریخی است که تا حدودی بطور نسبی از حقیقت بهره‌مند است. وقت آن رسیده است که فرضیات جدید جانشین کلیه تصورات مألوف قدیمی بعنوان نقطه اوج، در بررسی‌های تاریخ گذشته قرار گیرد.

معلومات جدید ما درباره منظومه شمسی و جهان هستی، درباره میکرو-کوسم^۱ و ماکروکوسم^۲، پیشرفتهای فوق‌العاده تکنولوژی و پزشکی، بیولوژی و ژئولوژی، شروع عسرسافت، اینها و دهها مورد پیشرفت واقفهای جدیدتر؛ يك تحول و دگرگونی کامل در دید و آنچه را که ما از جهان هستی در نظر داریم در این پنجاه سال اخیر ایجاد کرده است.

امروز برای ما تهیه لباس هائی که بتواند حداکثر حرارت و سرما را تحمل کند میسر است و مسافت به فضاهاى دیگر جزو اندیشه‌های تخیلی محسوب نمیشود. امروز با مجزّه تلویزیون رنگی آشنائی داریم، همانطور که به آسانی میتوانیم سرعت نور را محاسبه و نتایج ثنورهای نسبی را بررسی نماییم ولی هنوز تصورات قدیمی ما درباره جهان هستی در چهارچوب تعجب قرار گرفته و برای فرضیه‌های جدید احتیاج به موازین و مقیاسهای جدید داریم تا کم کم جای خود را بتواند باز کند. مثلاً فن باستانشناسی در آینده دیگر تنها به حفاری و جمع‌آوری آثار و طبقه‌بندی آنها اکتفا نخواهد کرد و شیوه قدیم دیگر مورد قبول نس باشد.

برای آنکه بتوانیم تصویری صحیح از گذشته بدست آوریم، باید از سایر رشته‌های علمی استمداد و یاری جست. لازم است بررسی معماهای غیر قابل توجه را با دیدی باز و باشجاعتی بی نظیر شروع کنیم.

در آغاز قرن هیجدهم نقشه‌های قدیمی متعلق به يك افسر نیروی دریائی ترك بنام پیر رئیس (Piri Reis) در کاخ طوبقایی در ترکیه پیدا شد. دو عدد اطلس در کتابخانه دولتی برلین محفوظ است که دقیقاً نقشه‌ای از دریای مدیترانه و اطراف بحرالمیت را نشان میدهد که نیز متعلق به پیر رئیس میباشد.

کلیه این نقشه‌ها توسط مالری Arlington H. Mallery

۱- جهان اتم و ذرات اتمی ۲- جهان سیارات و کهکشانها.

نقشه بردار (Cartographer) امریکایی برای آزمایش سپرده شد. نظرنامه ده این بود که نقشه دارای کلبه مشخصات جغرافیائی بوده ولی درجای صحیح خود ترسیم نشده است.

او از Walters نقشه بردار (کارتوگرافر) انجمن هیدروگرافیک نیروی دریائی امریکا کمک خواست. مارلی ووالتر بررسی فنی روی نقشه انجام دادند و سرانجام کشف مهیجی بعمل آمد:

«نقشه‌ها بطور مطلق دقیق و بادقت بی‌تظیری نه تنها در مورد دریای مدیترانه و بحرالمت بلکه همانطور که در پیش گفته شد سواحل امریکای شمالی و جنوبی و حتی کرانه‌های قطب جنوب روی نقشه پیری رئیس ترسیم شده است!!»
نقشه نه تنها حدود قاره‌ها را تعیین کرده بلکه حتی توپوگرافی داخلی را نیز بادقت متناهی نشان می‌دهد!! بله!

ترسیم سلسله جبال وقله کوهها، جزائر، رودخانه‌ها و قاره‌ها و فلات‌ها نیز اعجاب‌انگیز است.

در سال جغرافیائی ۱۹۵۷ نقشه‌ها مجدداً به لی نهام

(Jesuit Father Lineham) سپرده شد. این کارشناس؛ هم مدیر رسدخانه وستون و هم به نقشه برداری در نیروی دریائی امریکا اشتغال دارد. پس از بررسیها و تفحصهای فوق‌العاده دقیق و تا سرحد وسواس علمی لاین‌هایم چنین اظهار نظر کرد: «این نقشه‌ها بنحو معجزمانندی دقیق و حتی مناطق هنوز غیر مکشوفه برای ما بر روی نقشه بادقتی استثنائی ترسیم گردیده است!»

آنچه حائز اهمیت استثنائی است، سلسله کوه‌های منطقه قطب جنوب است که روی نقشه پیری رئیس ترسیم گردیده که تا سال ۱۹۵۲ هنوز برای ما کشف نشده بود.

این مناطق ترسیم شده صدها سال است که پوشیده ازیخ بوده و امروز با کمک دستگاه‌های فیزیکی جدید و با استفاده از روش انعکس امواج صوتی توسط دانشمندان ترسیم گردیده است.

بررسی‌های بعدی پروفیسور چارلس هاب گود و ریاضی‌دان برجسته ریچارد استرج اطلاعات کوبنده‌ای بما داده است!

«مقیاسه این نقشه بانقشه‌های تهیه‌شده از زمین توسط اقسام مصنوعی نشان میدهد که نقشه پیررئیس نقشه‌ایست هوایی از ارتفاع فوق‌العاده زیاد و از محلی درست در بالای شهر قاهره فعلی»^۱

توجیه وجود چنین نقشه‌ای ۱۱ يك-سفته فحائی درست در ارتفاع خیلی زیاد و درست بالای شهر قاهره دور بین خود را عموداً متوجه زمین و فیلم برداری کرده و حاصل این نقشه‌ها بدست آمده است. در شام ۵۰۰ میل از مرکز قاهره هر آنچه وجود داشته با دقت تمییز شده زیرا کاملاً این منطقه در میدان عدسی دور بین قرار گرفته است، ولی کشورها و قاره‌ها بندریج هر چه از مرکز نقشه دور باشد بعلت کرویّت زمین از طول نشست کرده و تغییر شکل داده و درست با همان دقت و بهمان شکل در مآپدکه در نقشه پیررئیس^۱ دیده میشود در مقیاسه دو نقشه جدید و قدیم (توسط نر مصنوعی امریکا) (پیررئیس) همانندی عجیب و مطابقت بی نظیری را میبینیم

چند سؤال که مستلزم پاسخ فوری است.

بدون شك تهیه چنین نقشه‌ای توسط نیاکان ما امکان نداشته است و شکی نداریم که تهیه این نقشه‌ها تنها با کمک تکنولوژی امروزی آنها از فضا میسر بوده است.

چگونه می‌توان این معمارا توجیه کرد؟

۱- آیا میشود قبول کرد که خدائی آنها به یکی از پیغمبران خود نازل کرده باشد.

۲- و یا... آنها به معجزه‌های ارتباط بدهیم، زیرا در چهارچوب معلومات و تصورات ما نمی‌گنجد.

۳- یا اینکه با اجرات کافی بگردیم تهیه این نقشه‌ها توسط فضا نوردان و با يك هواپیما در ارتفاع خیلی بالا انجام شده است!

لازمست بدانیم که نقشه پیررئیس نقشه اولیه نیست بلکه از روی نقشه‌ای

۱- پیر بمعنای مقدس و پاک است و مقصود از آن فرشته ناهید است نه پیر بمعنای متداول و عامیانه آن.

پیر رئیس (رئیس مقدس) این نقشه‌ها را از کجا بدست آورده بود !!

مترجم

تهیه شده که اصل آن تاکنون بنست نیامده است. هر چند که تاریخ نقشه قرن ۱۸ میلادی است معذک وجود چنین نقشه‌ای در آن قرن نیز قابل تفسیر نمیباشد. نقشه بردار هر کس که بوده باید قادر به پرواز در ارتفاع خیلی زیاد و قادر به نقشه برداری از آن ارتفاع بوده باشد.

بفواصله‌ای نه چندان دور از دریا در کشور پرو (امریکای جنوبی) آندس شهر قدیمی نازکا قرار دارد.

در دره پالپا شیارهایی بر روی زمین مسطح وجود دارد که طول بعضی از این شیارها ۳۷ میل و عرض آن یک میل است. سطح این راه‌ها پوشیده از خرده سنگهایی است شبیه به آهن گداخته، مردم منطقه آنرا پامپا مینامند با اینکه هیچگونه رستنی در منطقه دیده نمیشود. (پامپا بمعنای سبزی و علف است) در پرواز بر روی منطقه دشت نازکا خطوط غلیم هندسی که گاهی موازی هم و در مواردی مقاطع و یا با اشکال ذوزنقهای احاطه گردیده از جو دیده میشود. در نظر باستانشناسان این خطوط شهرامهای قدیم مردم آینکا است. چه تصور و اندیشه سخیفی!!

ارزش این راه‌های موازی هم، به سمت آینکا چه میتواند باشد؟ و آنها که همدیگر را قطع کرده و راه‌هایی که در جلگه پیشرفته و ناکهان به بن بست رسیده است؟

بطور طبیعی سفال و سرامیک (نمونه‌ای نازکائی) در اینجا پراکنده است ولی خیلی سادگی میخواهد که این راه‌های موازی را تنها به همین علت (وجود سفالهای نازکائی) به تمدن نازکا نسبت دهیم. تا سال ۱۹۵۲ کوش و حفاری جدی در منطقه انجام نشده است. هیچگونه تاریخی در مورد این مشاهدات، ازکی و چه زمان دیده شده درست نیست و تنها در این اواخر با اندازه گیری خطوط و اشکال هندسی این فرضیه تأیید گردید که این خطوط باید به نقشه‌های کیهانی ارتباط داشته باشد!

پروفسور آلدن ماسون کارشناس باستانشناس کشور پرو، گمان میبرد که در این آثار و خطوط رد پای دین و یا طریقتی نهفته و یا شاید ارتباط به نوعی تقویم داشته باشد. در تأمل در این خطوط ۳۷ میلی از جو، نظر مرسید که در روی منطقه فرودگاه پرواز میکنم.

چه تصویری غیرمقبول تر در این مورد ؟

در بررسی باستانشناسی کلاسیک با توجه به مبانی فکری قبلی و مورد قبول؛ موضوع مورد بررسی و تحقیق باید پیدا گردد و پس از پیدا شدن آنچه مورد نظر است ذوق و برق دادن و پرداختن قضیه پیش میآید تا اینکه بتواند مانند سنگی (حتی بصورت معجزه در ساختمان کلی باستانشناسی موجود و مورد قبول قبلی قرار گیرد.

باستانشناسان کلاسیک بهر معنی بودن مردم اینک-ارا از تمدن و تکنیک عالی قبول ندارند، بنابراین وجود هواپیما در دوران بی دور که نیاز به این راهها را ایجاد کند برای آنان تصویری ضعیف برمی معنی است. پس وجود این راهها برای مردم اینکا چه سودی داشته است؟

بمقیده من ایجاد این شبکه با این مقیاس خیلی عظیم از روی مدل و با استفاده از سیستم هماهنگ ساز باید انجام شده و باید بدستور مستقیم فضا نوردانی صورت گرفته باشد.

هنوز بطور قطع نمیتوان گفت که دشت نازکا باقیمانده فرودگاه قدیمی باشد. مادام که اثری از آهن بکار رفته تاکنون پیدا نشده گرچه اکثر فلزات در مدت کمی و بهر روز زمان زنگ میزنند ولی سنگ از بین نمیروند

چه ایرادی بر این اندیشه است که ایجاد این راهها برای آنست که به خدایان گفته شود: فرودگاه اینجا است. همه چیز طبق دستور شما آماده گردید؛ شاید سازندگان این شبکه هندسی هیچگونه اطلاعی هم از ماهیت کار خود نداشته اند ولی شاید هم آنان کاملاً بدانچه مورد احتیاج خدایان در فرود بزمین است واقف بوده اند.

نقاشیهای برجسته زیادی بر روی سنگها در جاهای مختلف در کشور پرو حجاری شده و موجودی را در حال معلق (شناور بودن) در فضا نشان میدهد. غرض از این نقاشی ؟

در دهانه خلیج pisco در روی دیواره مرتفع سنگی قرمز، تصویری به ارتفاع ۸۲۰ پا نقش شده که از فاصله ۱۲ میلی دریا دیده میشود. در اولین نگاه بنظر میرسد تصویری است از بیزهای سه سر و یا یک